

مرهم چینی های شکسته!

گفت و گو با «محمد امین بابا محمدی»، چینی بندزن شیرازی که ۴ دهه از عمر خود را صرف این هنر ایرانی در حال فراموشی کرده و گردشگران خارجی به مغازه اش می آیند

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۷ تیر ۱۴۰۱
۲۸ دی القعد ۱۴۴۳ • ۲۸ ژوئن ۲۰۲۲
شماره ۲۰۹۷۲

۲۱۹۲



عکس تزئینی است، باشگاه خبرنگاران

اكرم انتصارى | روزنامه نگار

پرونده

همیشه در اطراف مان آدم هایی هستند که خوب بلدند مرهم دل شکسته باشند و آن را بند بزنند. «چینی بندزن ها» هم خوب بلدند تکه های شکسته چینی را به هم بند بزنند. شاید همین شباهت باعث شده است این حرفه به موسیقی راه پیدا کند و خواننده بخواند: «چینی بند زن/ یا دل شکسته رو بند می زنی؟ هر چی دارم به تو می دم/ تو بگو چند می زنی؟». شاید سن خیلی ها قد نهد تا چینی بندزن ها را به یاد بیاورند اما می توان با چند نشانه، از آن ها یک تصویر در ذهن ساخت و شاید با کمی جستجو هنوز بتوان چینی بندزن ها را در بازارهای قدیمی شهر پیدا کرد. در روزگار دور، چینی بندزن هایی که دکان نداشتند با کیسه ابزارشان در کوچه ها دوره می افتادند و مردم، ظروف چینی شکسته شان مانند قوری، کاسه و بشقاب را به آن ها می سپردند تا چینی بندزن، تکه های شکسته را به کمک چسب و بست های فلزی سر پا کند و ظرف شکسته را با همه نقص هایی که دارد دوباره نو کند. هزینه خرید ظروف چینی در آن سال ها زیاد بود و فناوری تولید آن سخت. در هر خانه، به زحمت یک سرویس چینی پیدا می شد که آن هم به اقتضای تصمیم مادر خانه برای نور چشمی ها و مهمان های عزیز کرده از گنجی بیرون می آمد. پس منطقی بود که مردم، ظرف شکسته و تکه ها پیش را مدت ها نگه دارند تا چینی بندزن از راه برسد و عملیات مونتاژ را اجرا کند. مته، یک کمان کوچک و ظرف، تسمه های باریک فلزی، یک میز کار جمع و جور و چسب «سربشم» یا «زامیاشگه» چسب حیوانی که از پوست یا استخوان حیوانات ساخته می شود و چسب های گیاهی مانند صمغ عربی، کتیرا یا عصاره ریوند که از ریشه گیاه ریواس گرفته می شود؛ این ها ابزار ساده یک چینی بندزن است که برای به سرانجام رساندن کارش باید مهارت زیادی داشته باشد. «محمد امین بابا محمدی» یک چینی بندزن شیرازی است که به سختی پیدایش کردیم. او بعد از چند دهه احیای چینی های شکسته، «اوستا» شده است و حالا مشتری ثابت دارد. حتی گردشگران هم می خواهند از «چینی بندزن» او سر در بیاورند و به مغازه اش سر می زنند. با او درباره هنر چینی بندزن که یادگاری از نیاکان هنرمندان است و سال هایی که با این شغل از سر گذرانده است، گفت و گو کردیم.

فلسفه مشترک چینی بندزن و

کینتسوگی

زمانی که فنجان مورد علاقه «آشی گاگایوشی ماسا» یکی از حکمران های ژاپن شکست آن را به چین فرستادند تا ترمیمش کنند. چینی ها آن را با بست های فلزی ترمیم کردند و برای او فرستادند. اما مقبول نیفتاد و به همین دلیل، این بار، فنجان را به هنرمندان ژاپنی سپردند. آن ها تصمیم گرفتند ترک های فنجان را با تریبایی از پودر طلا بپوشانند و به این ترتیب، فنجان با ظاهری ناقص ولی زیباتر از قبل، مورد پسند حکمران واقع شد. ژاپنی ها از آن به بعد ترک و شکستگی ظروف شان را با پودر طلا، نقره یا پلاتین پر می کنند و به این هنر «کینتسوگی» یا «اتصال طلایی» می گویند. آن ها معتقدند باید نقص ها و شکست ها را بپذیریم چون زندگی را برای مازیاتر از قبل می کنند. ژاپنی ها، چینی شکسته و ترمیم شده را به انسان هایی شبیه می دانند که نقصی دارند یا زخم خورده اند اما هیچ کس حریف امیدواری و جنگندگی آن ها نمی شود. این زخم ها و نقص ها، همان رگه های طلایی هنر کینتسوگی هستند که فرد را در عین داشتن کاستی یا زخم در کمال و زیبایی قرار می دهند. به همین دلیل ژاپنی ها اصطلاحی دارند که می گوید: «وقتی بشکنی زیباتری». فلسفه ای که می توان آن را به هنر چینی بندزن ایرانی هم تعمیم داد.



مشتری هایم از شهرهای دیگر چینی

شکسته می آورند



مغازه اش در یکی از قدیمی ترین محله های شیراز یعنی سنگ سیاه است و داخل پس کوچه. اهل تبلیغ هم نیست و مشتری هایش، مشتری می آورند. بابا محمدی درباره مشتری هایش می گوید: «خیلی ها آدرس مغازه ام را ندارند. بعد از این که

چینی ها را به مشتری تحویل می دهم، آدرس مرابه بقیه می دهند. ساعت هم می فروشم اما چینی بندزنی همیشه است و این کار را از دست نمی دهم. به تازگی قوری های قدیمی گران شده اند و خیلی ها قوری های شکسته شان را می آورند تا بند بزنم. البته کار بعضی ها با یک آب بندی ساده، تمام می شود و به نفع شان است. نمی توانم به مشتری هایی که مرا می شناسند، بگویم کارت را قبول نمی کنم. چند وقت دیگر که پاییز و زمستان شروع شود باران بارید خیلی ها چترشان را برای تعمیر می آورند. بعضی غریبه هستند و بعضی آشنا، او در ادامه صحبت هایش از مشتری های غیر شیرازی می گوید: «من از تهران و اصفهان و شهرهای دیگر هم مشتری دارم. خیلی ها وقتی برای تعطیلات به شیراز می آیند، قوری و چینی های شکسته شان را می آورند تا آن ها را در مدتی که در شهر مان اقامت دارند، بند بزنم. بعضی ها می گویند یادگاری است و می خواهیم آن را نگه داریم و بعضی ها می گویند آنتیک است.»

گردشگران مغازه ام را شلوغ

می کنند

«همین چند روز پیش ۱۵، ۱۶ گردشگر به مغازه ام سر زدند. می خواستند با چینی بندزن آشنا شوند و از من با قوری های بندزده عکس بگیرند». وی این ها را با ذوق تعریف و آن روز را این طور توصیف می کند: «گردشگران از آلمان و چند کشور اروپایی بودند. یک راهنمای ایرانی داشتند که آدرس مغازه من را از کسی گرفته بود. یکی برای شان آهنگ «چینی بندزن اومده...» را خواند. همگی خندیدند و از من خواستند درباره چینی بندزن توضیح دهم. من هم ابزارهایم را نشان و توضیح دادم که چطور چینی های شکسته را بند می زنم. گردشگران قوری بندزده را دستم می دادند و عکس می گرفتند. از روند بند زن چینی هم فیلم گرفتند. نمی دانید چه خبر بود، همه دور مغازه ام جمع شده بودند. البته شاید این سی امین باری باشد که گردشگران به مغازه ام می آیند. یک بار یکی از آشناهای یک گردشگر را آورده بود تا برایش یک قوری بند بزنم و آن را با خودش ببرد که خاطره آن روز هم هنوز در ذهنم مانده است.»



جوان ها حوصله چینی بندزن دن

را ندارند

۴۵ سال است که چینی های شکسته را آب بندی می کند و بند می زند؛ محمد امین بابا محمدی را می گویم، مردی ۶۶ ساله و ساکن شیراز. می مقدمه و با لهجه شیرین شیرازی در گفت و گو با ما درباره ورودش به این هنر توضیح می دهد: «قدیم ترها کنار مغازه پدرم، مغازه پیرمردی بود. هر چیزی برایش می آوردند، می گفت بگذار زمین، تعمیرش می کنم. ساعت، چینی شکسته، چتر و هر چیزی. من بچه بودم که در مغازه پیرمرد مشغول کار شدم. وقتی ۲۰ ساله شدم دیگر می توانستم بعضی از کارهایش را انجام بدهم. برایش چینی بند می دهم «اوستا» به من دستمزد می داد. تعمیر چتر خیلی مشکل بود و در ۲۵، ۳۰ سالگی در تعمیرش ماهر شدم. پیرمرد هنرمندی بود و سال ها بست به رحمت خدا رفته. من همین دو کار را از او یاد گرفتم. «او در پاسخ به این سوال که این کار را به شخص دیگری هم آموزش داده است، می گوید: «من یک پسر ۲۸ ساله دارم که کار دیگری دارد. چینی بندزن حوصله می خواهد و الان جوان ها، حوصله ندارند. کدام جوان را می شناسید که ساعت ها بنشیند تا تکه های چینی را سر هم کند؟ می گویند این شغل از مد فته است و قدیمی شده ولی برای مردمی که عشق چینی های قدیمی هستند هنوز جالب است.»

چینی های قدیم، چینی تر بود

این هنرمند پیش کسوت درباره ویتترین خانه اش می گوید که ویتترین خانه ام را با قوری گل سرخی، روسی و مسعود چیده ام. بابا محمدی با اشاره به این که جنس چینی های قدیمی قیبه ندارد و هنوز خیلی از مشتری هایش به دنبال چینی قدیمی می گردند، می گوید: «الان قوری چینی درجه یک، کم پیدا می شود. چینی درجه یک، شفاف است و رنگ سفید آن با چینی معمولی فرق دارد. قالب صاف و آینه ای دارد. قوری معمولی، کدر است و وقتی گرم می شود رنگ در یک آن بیشتر مشخص می شود. سر و دسته قوری باید یکی و یک میزان باشد. الان بعضی قوری ها دسته اش بالاست و سر لوله پایین. من این قدر روی قوری ها کار کرده ام تا این چیزها زیاد گرفتم. اصلا جای فقط در قوری چینی مزه می دهد. بعضی ها جای را در فلاسک می ریزند که اصلا خوب نیست. از قدیم گفته اند خوراک را در ظرف مسی بخور که برای معده ات سود داشته باشد و چایت را در چینی که اعصاب آرام شود. در یک



قوری چینی جای دم کنید و چند پر بهار نارنج هم به آن اضافه کنید. حالا ای جای بخورید. این جای تا آخر شب هم مزه می دهد. این ها را همیشه به مشتری هایم می گویم. حتی اگر چینی های شان بعد از بندزن قابل استفاده نباشد می گویم آن را بگذار داخل ویتترین.»

بندزن چینی چند

تکه، مهارت و دقت

می خواهد

معلوم نیست پشت هر کاسه و قوری بندزده چقدر قصه خوابیده است. بابا محمدی چینی بندزن گزارش ما، سال ها تلاش کرده است تا این قصه ها را هم نیاشد و آن ها را با هر تفند و مهارتی که شده، جان دوباره ببخشد. خودش در همین باره می گوید: «تا به حال حتی چینی شکسته های مردم را نشکسته ام. یک قوری ۶ تکه شده بود، همه اش را آب بندی کردم، بست کشیدم، بندزد و حتی کار سازی هم کردم تا شبیه اولش شود چون یادگاری بود. قوری بدون دسته ای بود که دسته قوری دیگر را روی آن انداختم. یک قوری لوله نداشت و لوله قوری دیگری را روی آن سوار کردم. بعضی وقت ها سر لوله قوری شکسته است که برای تعمیر آن یک حلقه به اندازه یک انگشت در می آورم و می اندازم سرش. لوله را هم به تنه قوری بست می زنم تا مثل روز اول کار کند. تکه اش را هم داشته باشن یک سر لوله حلبی به قوری اضافه می کنم تا عمرش اضافه شود. هر وقت مشتری برایم چینی شکسته می آورد می گویم تکه های شکسته اش را بیاورید تا بند بزنم. اگر تکه بزرگش گم شده باشد نمی شود آن را بند زد. تکه کوچک را می شود با چسب پر کرد. این روز ها مردم بیشتر قوری می آورند تا بند بزنم. اول باید آب بندی شود، بست های فلزی اش را هم اندازه، بچینم و بزنم. کم و زیاد یا باریک و کلفت نباشد. کار هر قوری یک ساعت و نیم طول می کشد.»



قوری ۳ میلیونی را با ۱۵ هزار تومان بند می زنم

بابا محمدی خاطره های جالبی از مشتری های خود دارد که با حوصله و ذوق از پشت تلفن، همه را تعریف می کند. او می گوید: «محمد آقا یکی از دوستانم است که در یک پاساژ در خیابان نمازی، مغازه دارد. قوری شکسته مردم و مسافران را که آدرس من را ندارند، جمع می کند تا من تعمیرشان کنم و بعد از ترمیم، تحویل بدهم. بعضی ها دوست دارند قوری نو را بست ببندازند و داخل ویتترین بگذارند. باز همین محمد آقا ۱۰ تا قوری نو می خرد و من بست می زنم. بعضی ها هم از عتیقه فروشی های قوری های روسی یا گل سرخی قدیمی را می خرد و می گویند بست ببنداز تا ظاهرش قدیمی تر شود. چند وقت پیش یکی سفارش کرد که یک قوری روسی خیلی بزرگ برایش پیدا کنم. قیمت اصلی قوری ۳ میلیون تومان بود اما چون مشتری، در به در دنبال آن بود گفت اگر پیدا کردی تا ۵ میلیون هم می خرم. آن قدر گشتم تا برایش قوری را پیدا کردم». از دستمزدش که می پرسیم، می گوید: «رزق دست خداست. چینی بندزن از ۶۰ هزار تومان شروع می شود تا ۱۵۰ هزار تومان اگر ببینم قوری ارزش دارد، آن را بند می زنم و گرنه به مشتری آدرس ارزان فروشی ها را می دهم و می گویم ارزش تعمیر ندارد تا یک قوری نو بخرد.»